

عنوان مقاله:

هویت انسان؛ مبنای عینیت در علوم انسانی هرمنوتیکی

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه علم، دوره 10، شماره 20 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 21

نویسندگان:

سیدحمیدرضا حسنی - گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

عسگر دیرباز - دانش یار گروه فلسفه، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

هادی موسوی - گروه فلسفه علوم انسانی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مالک شجاعی جشقانی - پژوهشگاه علوم انسانی

خلاصه مقاله:

مبانی روش‌شناختی پارادایم‌های عمده علوم انسانی و قضاوت در مورد اعتبار یا عدم اعتبار آنها متکی بر مبانی معرفت‌شناختی، وجودشناختی و انسان‌شناختی آن پارادایم است. آشنایی با مباحث انسان‌شناختی از دیدگاه ديلتای هم برای آشنایی با پارادایم تفسیرگرایی و هم برای شناخت پارادایم هرمنوتیکی مهم است. شناخت هویت دوگانه انسان یکی از اساسی‌ترین عناصر این پارادایم را پیش روی ما قرار می‌دهد. ارائه تصویر درستی از طبیعت انسانی و چگونگی توسعه بخشیدن به دقت ابزار عملی جریانات علمی یکی از دغدغه‌های اصلی ديلتای بود. از جمله کارهای بدیع او برقراری تعامل میان دو عنصر «طبیعت انسانی» و «تاریخی بودن» بود که تا زمان او گمان بر تعارض میان آنها می‌رفت و ديلتای آنها را در خدمت روش‌شناسی علوم انسانی درآورد. او با تبیین مبانی انسان‌شناختی، معارف به دست آمده از علوم انسانی را معتبرتر از یافته‌های علوم طبیعی می‌دانست و تلاش کرد بواسطه ثبات هویت انسانی در عین تاریخی بودن آن، اعتبار علوم انسانی را نشان دهد. این مقاله بر آن است تا به روشی تحلیلی عناصر اصلی اندیشه ديلتای به دست آید و سپس بر اساس ترکیب این عناصر نشان داده شود که چگونه عینیت علوم انسانی بر این مبنا تأمین می‌شود.

کلمات کلیدی:

دیلتای، انسان از دیدگاه ديلتای، روش‌شناسی علوم انسانی، طبیعت انسانی، تاریخی بودن انسان

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1137498>

